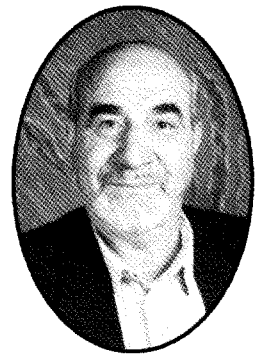


خاطرات





حج گزاری ایرانیان

از زبان

خادمان حجاج

سید نورالله باقری

جناب آقای باقری! پیش از آنکه پرسشهای خود را در باره حج آغاز کنیم، به عنوان مقدمه کمی از شرح حال خود بگویید و توضیح دهید که نخستین سفر شما در چه سالی و چگونه بوده است؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ضمن عرض سلام خدمت همه خدمتگزاران و کارگزاران حج و آرزوی موفقیت برای خادمان حجاج؛ اعم از مدیران، خدمه کاروان‌ها و... و طلب غفران و رحمت برای آنانکه به زائران بیت‌الله الحرام و مدینه‌النبی خدمت کرده و اکنون به دار باقی شتافته‌اند.

باید بگویم که من سید نورالله باقری، متولد ۱۳۰۸ تهران هستم.

از دوران جوانی آرزو داشتم مکرر به حج مشرف شوم و همواره در قنوت نمازم این دعا را می‌خواندم که: «اللَّهُمَّ ارزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ»، تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۳۹ توفیق یارم شد و به عنوان زائر، به حج مشرف شدم. البته گرچه زائر بودم اما قصد کردم که در طول سفر، در خدمت به زائران و میهمانان خدا بکوشم و از پروردگار متعال خواستم که به پاس این خدمت، تا پایان عمر، همه ساله مرا به عنوان «خادم حجاج» بپذیرد.

از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۳ با عنوان مدیر کاروان مشرف می‌شدم که در سال



۱۳۶۳، هم خودم و هم پسر، حاج سید محسن باقری، در آزمون مدیر کاروان شرکت کردیم و هر دو پذیرفته شدیم و من تا سن ۵۷ سالگی (۱۳۶۵)، در سمت مدیر کاروان، در خدمت زائران خانه خدا بودم، اما در این سال با مشورت جناب آقای فومنی، که مدت کوتاهی جانشین جناب آقای رضایی، ریاست محترم (سابق) سازمان حج و زیارت بودند، با میل شخصی از مدیریت کاروان استعفا دادم و با موافقت شورای عالی حج، چون مدیر مستعفی بودم تا سن ۶۰ سالگی (سال ۱۳۶۸)، به عنوان معاون، به همراه فرزندم تشرّف یافتیم.

مجموعاً ۲۸ سفر عرفات را درک کرده‌ام و تاکنون بیش از ۴۰ سفر عمره رفته‌ام و همچنان، همه ساله به همراه فرزندم به سفر عمره و عتبات مشرف می‌شوم و دعاگوی همه هستم. خداوند متعال را شاکر و سپاسگزارم که این توفیق عظیم را نصیبم کرد!

الف - آغاز سفر

میثاق: از آداب و رسوم مردم و حاجیان در سفر حج، به خصوص از دوران‌های گذشته، چه خاطره‌ای دارید؟

آقای باقری: در سال‌های گذشته، چون تعداد اندکی به حج مشرف می‌شدند، سفر آنان محسوس بود. قبل و بعد از سفر، ولیمه می‌دادند. در رعایت مسائل شرعی جدی بودند و پیش از سفر به حسابرسی اموال خود می‌پرداختند. می‌کوشیدند کدورت‌ها را کنار بگذارند، از تمام آشناها حلیت می‌طلبیدند و با آنان خدا حافظی می‌کردند و با بدرقه زیاد و با شکوه خاص، عازم این سفر می‌شدند. بدرقه کنندگان زمانی طولانی در فرودگاه معطل می‌شدند تا پرواز مسافرشان انجام شود و حتی سماور، غذا و زیرانداز به فرودگاه می‌آوردند!

میثاق: در آن زمان، سفر حج چند روز و یا چند ماه به طول می‌انجامید و هزینه‌اش چقدر بود و با چه وسیله به حج می‌رفتید؟

آقای باقری: مدت سفر از ۳۵ تا ۴۰ روز بود و هزینه آن به سه تا چهار هزار تومان

می‌رسید. و سفر با هواپیمای باری انجام می‌گرفت که ۷ ساعت در آسمان بود و در طول مسیر، صعود و فرود زیادی داشت و به همین دلیل حال بیشتر زائران به هم می‌خورد.

میقات: مدینه‌الحاج در کجا بود و چه وضعی داشت؟

آقای باقری: مدینه‌الحاج در داخل جده و به صورت حجره بود. اوایل فرش انداخته بودند و بعد تختخواب، آنهم تخت‌های دو طبقه گذاشتند. امکانات نظافتی و بهداشتی بسیار کم و محدود بود و هرگاه در داخل جا نبود، اطراف حجره‌ها را فرش یا چادر می‌زدند، چون زائران مدت زیادی را باید در آنجا می‌گذراندند تا لحظه حرکت به مدینه یا جُحفه برسد.

در رعایت مسائل شرعی جدی بودند و پیش از سفر به حسابرسی اموال خود می‌پرداختند. می‌کوشیدند کدورت‌ها را کنار بگذارند، از تمام آشناها حلیت می‌طلبیدند

میقات: آیا قبر حضرت حوا^ع را دیده‌اید؟

آقای باقری: قبر حوا در داخل شهر جده بود و من آن را دیده‌ام.

میقات: چگونه و با چه وسایلی از جده به مدینه می‌رفتید؟

آقای باقری: با اتوبوس‌های جمس، از جاده قدیم می‌رفتیم که حدود ۱۰ ساعت زمان می‌برد.

میقات: میقات جحفه چه وضعی داشت و چگونه خود را به آنجا می‌رساندید؟

آقای باقری: مسجد جُحفه در جاده قدیم جده و نزدیک رابغ بود. اگر مدینه بعد بودیم از جاده قدیم وارد جاده خاکی می‌شدیم. گاهی اتوبوسها در خاک فرو می‌رفت و گاهی راه را گم می‌کردیم و با مشکلاتی به مسجد کوچک و مخروبه جُحفه می‌رسیدیم.

میثاق: برخورد زائران دیگر کشورها با ایرانیان چگونه بود؟

آقای باقری: روشن است که آن زمان مثل امروز نبود. به دلیل رابطه تنگاتنگ حکومت پهلوی با رژیم اشغالگر قدس، مسلمانان دیگر بگونه دیگری به ایرانیان می نگریستند.

میثاق: آیا در مسیر میان جده - مدینه، روستای شیعه نشین وجود داشت؟

آقای باقری: ما از آن مسیر، تنها منطقه غدیر و بدر را به خاطر داریم. وقتی وارد مدینه می شدیم، به منطقه و موقف عنبریه می رفتیم، چون اتوبوس ها داخل شهر نمی رفتند.

میثاق: برخورد مردم عربستان با زائران ایرانی چگونه بود؟

آقای باقری: تنها تعدادی مطوف ارتباط نزدیک با مدیران، آنهم به جهت مسائل شغلی، داشتند.

میثاق: ساختار کاروان ها در آن زمان چگونه بود و آیا مدیر و روحانی داشتند؟

آقای باقری: هر کاروانی به تعداد دلخواه زائر جذب می کرد و روحانی، پزشک، آشپز، خدمه و دارو با خود می بردند.

آن زمان مثل امروز نبود. به دلیل رابطه تنگاتنگ حکومت پهلوی با رژیم اشغالگر قدس، مسلمانان دیگر بگونه دیگری به ایرانیان می نگریستند.

میثاق: آیا زائران را به کوه احد و سایر مکان های خارج از مدینه می بردید؟ وضعیت آنها چگونه بود؟

آقای باقری: بله، آن روزها در قبرستان باز بود و ما همراه زائران به آنجا می رفتیم و سر قبرها زیارت نامه می خواندیم و داخل قبرستان می شدیم و حتی سر قبور شهدای احد هم می رفتیم. همچنین به مساجد سبعة؛ مانند مسجد قبلتین می رفتیم - که مسجدی قدیمی بود - به منطقه خندق هم می رفتیم که مسجد علی بن ابی طالب علیه السلام، مسجد حضرت زهرا علیها السلام، مسجد فتح، مسجد سلمان در آنجا قرار داشت و نیز به مسجد قبا - که آن هم مسجدی بسیار قدیمی بود - می رفتیم.

میقلع: از اماکن تاریخی مدینه، چه چیزهایی به یاد دارید که الآن تغییر کرده است؟ و آیا از خصوصیات بقیع، کوچه بنی هاشم، خانه امام صادق و امام سجاده علیهما السلام و... چیزی به خاطر دارید؟

آقای باقری: قبرستان بقیع و اماکن دیگر مدینه به شکل امروزی نبود. قبرستان بقیع کمی کوچکتر بود و حصار فلزی سبزرنگ مشبک داشت. در داخل کوچه بنی هاشم مغازه‌های کوچک فروش اجناس بود. وقتی از روبه‌روی بقیع، درست مقابل درِ جبرئیل وارد می‌شدیم، خانه‌های قدیمی با درهای چوبی کوتاه جلب توجه می‌کرد. خانه و مدرسه امام صادق و امام سجاده علیهما السلام هم وجود داشت.

بیت الأحزان و قبر عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در منطقه مصلای قدیم بود، که تخریب گردید.

میقلع: موقعیت خانه‌های اطراف حرم نبوی چگونه بود؟

آقای باقری: همه خانه‌ها قدیمی بودند. تنها چند ساختمان به نام هتل وجود داشت که اسمشان هتل بود! ایرانیان معمولاً خانه‌های اطراف حرم را اجاره می‌کردند و بعضی کاروان‌ها هم باغ‌های بزرگ را برای سکونت بر می‌گزیدند که استخر داشت و سرسبز بود به نامهای: باغ فرشته، باغ ملائک، باغ صفا و...

میقلع: زائران ایرانی می‌توانستند همراه خود کتاب‌های دعا، مناسک و جزوه‌های آموزشی ببرند؟

آقای باقری: کتاب‌های دعا و مناسک مراجع تقلید را مخفیانه می‌آوردند و مأموران در صورت مشاهده، آن‌ها را می‌گرفتند.



میقلع: نحوه غذا خوردن در میان راه و استراحتگاه‌های مکه و مدینه چگونه بود؟ آیا جمعی بود یا فردی؟

آقای باقری: چون غذاخوری‌ها بهداشتی نبود، بیشتر غذا را خودمان بدون گوشت، و به صورت آماده بسته بندی می‌کردیم. البته برای وضو و رفع حاجت هم مشکلات زیادی وجود داشت.

میقات: مسائل بهداشتی در سفر و در مکان‌های استراحت تا چه حد رعایت می‌شد؟
آقای باقری: در طول سفر و اقامت در منازل، سعی می‌شد مسائل بهداشتی به‌طور کامل رعایت شود. توصیه‌هایی به زائران داشتیم و پزشک همراه گروه هم بر این مهم نظارت کافی می‌کرد و زائران هم توجه می‌شدند، لیکن در طول مسیر و غذاخوری‌های راه، مشکلاتی وجود داشت.

ب - مکه

میقات: با ماشین‌های روباز به مکه می‌رفتید یا با وسایل دیگر؟
آقای باقری: وسایل نقلیه در آن زمان بسیار قدیمی، بدون کولر، بعضی روباز و بعضی مسقف بود. برای حمل بار زائران از لُری استفاده می‌شد. گاهی چرخ ماشین‌ها از ماشین جدا و ماشین‌ها از مسیر جاده خارج می‌شدند؛ چون جاده قدیم مدینه - مکه، باریک بود تصادف‌های بسیار بدی رخ می‌داد و هر لحظه اتفاقات غیر منتظره‌ای در پیش بود و تلفات جانی زیادی داده می‌شد.

میقات: استراحتگاه‌های مسیر مدینه و مکه چگونه بود و چه امکاناتی وجود داشت؟
آقای باقری: بیشتر آنها با حصیر فرش شده و بسیار غیر بهداشتی بود. آب در منبع‌های فلزی بسیار کم وجود داشت. دستشویی‌ها اندک بود.
جا دارد یاد کنم از ماهی‌هایی که در یک ظرف سرخ می‌کردند و رنگ روغن آن مانند قیر بود. با این حال بعضی از زائران در منطقه رابع، فقط ماهی می‌خوردند.

میقات: هنگام ورود به مکه چه آداب و رسومی انجام می‌دادید؟

آقای باقری: خدمه‌ای که از پیش برای آماده کردن منزل به همراه بار می‌رفتند، پس از آماده کردن منزل، در منطقه ورودی جده به مکه، با پرچم می‌ایستادند تا زائران را به منزل ببرند. با دود کردن اسپند، آماده کردن خاکشیر و ذبح گوسفند به استقبال زائران می‌آمدند.

سؤال: آثار و خصوصیات مسجد الحرام و اطراف آن چگونه بود؟

آقای باقری: مسجد الحرام، مانند امروز سنگ فرش سفید نداشت. وقتی پا روی سنگ‌ها می‌گذاشتی می‌سوخت و قسمتی از حیاط مسجد الحرام شن و ماسه بود.

آب زمزم در پشت مقام ابراهیم پله‌هایی قدیمی داشت. مردم برای نوشیدن آب و بردن آن به عنوان تبرک و تجدید وضو می‌رفتند و واقعاً نظافت را رعایت نمی‌کردند.

بالای کوه ابوقیس به صورت باغچه بود و مسجد بلال بر فراز کوه قرار داشت که خراب کردند. سال‌ها پیش تعدادی دستشویی در زیر کوه ساختند و بعد آنها را خراب و قصر کنونی را بالای آن بنا کردند.

سؤال: آیا مشکلاتی در انجام اعمال و مناسک حج وجود داشت؟

آقای باقری: آری، به علت کم بودن تعداد روحانی، زائران گاهی در اعمال و مناسک حج و مسائل شرعی با مشکل مواجه می‌شدند.

سؤال: اطراف حرم، پیش از توسعه چگونه بود؟

آقای باقری: مغازه‌های متعدد قدیمی وجود داشت که فروشندگان مسن و کهن سال آنها را اداره می‌کردند. همچنین منازل مسکونی بسیار قدیمی وجود داشت که بیشتر به زوار اجاره می‌دادند.

سؤال: آیا قبرستان شهدای فح را زیارت کرده‌اید؟

آقای باقری: در آن زمان، دیدار کوتاهی از قبرستان شهدای فح در اطراف مسجد تنعیم داشتم، که اکنون تنها منطقه آن را به یاد دارم.

سؤال: از اعمال عمره تمتع چه خاطره‌ای دارید؟

آقای باقری: خاطرات زیاد است، اما نخستین لحظه حضور و ورود زائران به خانه خدا و سبزه و شیون و گریه‌های باناله و افغان آنان، برایم زیباترین خاطره است.



میثاق: از مکان صفا و مروه بگوئید که آیا به شکل امروزی و سر پوشیده بود؟
آقای باقری: در نخستین سال تشرّف دیدم که در مسعی تازه طبقه بالا و سقف زده اند و کوه صفا و مروه کمی بزرگتر از صفا و مروه امروزی بود.

میثاق: در مسجد الحرام، زائران (هنگام طواف، یا نماز پشت مقام ابراهیم، یا لمس حجرالأسود) با مشکلی مواجه بودند؟

آقای باقری: البته مشکلاتی وجود داشت، به خصوص هنگام خواندن نماز پشت مقام ابراهیم که ممانعت می کردند. به علت وجود فضای کم، مردم همدیگر را فشار می دادند و بارها نماز شکسته می شد و دوباره از مکانی دیگر شروع می کردیم و یا تعدادی مراقب می گذاشتیم تا نماز را بخوانیم. در نزدیک شدن به حجرالأسود و لمس و بوسیدن آن هم، واقعاً نظم را رعایت نمی کردند.

نخستین لحظه حضور و ورود زائران به خانه خدا و ضجه و شیون و گریه های باناله و افغان آنان، برایم زیباترین خاطره است.

میثاق: از حالات حاجیان در هنگام طواف و نماز، اگر چیزی به یاد دارید، برای ما بگوئید.
آقای باقری: در آن ایام، زائران، در انجام صحیح اعمال و مناسک حج بسیار جدی بودند و خلوص آنها واقعاً کم نظیر بود؛ به خصوص افرادی که قبلاً به اسم جاهل محله نامیده می شدند، وقتی به سفر حج می آمدند واقعاً به خاک می افتادند و با تمام وجود طلب مغفرت از گناهان و گذشته خود می کردند و در بازگشت از حج، تحوّل عمده ای در رفتار و کردارشان ایجاد می شد.

میثاق: آیا حاجیان در نمازهای جماعت اهل سنت شرکت می کردند؟

آقای باقری: به جرأت می توانم بگویم که کمتر کسی در نمازهای جماعت اهل تسنن شرکت می کرد و اگر هم حضور می یافت، نمازش را اعاده می کرد. از پیروزی انقلاب اسلامی به بعد بود که به فرمان حضرت امام علیه السلام حاجیان همگی در نمازهای جماعت شرکت می کنند.

میثاق: از حضور بزرگان و مراجع تقلید در حج، خاطره‌ای به یاد داری؟
آقای باقری: تنها سفر آیت الله سبزواری و آیت الله حکیم را به یاد دارم که به حج مشرف شدند و ما در محضر آنان حضور می‌یافتیم و در این مورد هیچ مشکلی نداشتیم.

میثاق: برخورد مسئولان عربستان با علما و بزرگان شیعه چگونه بود؟
آقای باقری: به ظاهر احترام می‌گذاشتند ولی خصومت درونی و کینه‌توزانه با شیعه و رهبران آنان را در دل داشتند.

ج - مشاعر مقدس

میثاق: بعد از احرام در مکه، چگونه و با چه وسیله‌ای به عرفات می‌رفتید؟
آقای باقری: اوایل با لُری یا کامیون و بعدها با اتوبوس‌های جمس قدیمی به عرفات منتقل می‌شدیم. گاهی راننده‌ها فرار می‌کردند و از انجام وظایف سر باز می‌زدند و زائران و کاروان‌ها را دچار مشکل می‌کردند.

میثاق: در سرزمین عرفات آب لوله کشی و محل غسل و طهارت به حدّ کافی وجود داشت؟

آقای باقری: خیر، آب را به سختی تهیه می‌کردیم. از سقاها آب سطلی می‌خریدیم. گاهی تا صبح جهت تهیه آب در تلاش بودیم و حوض برزنتی جهت نگهداری آب نصب می‌کردیم.

وضع بهداشت بسیار بد و نا کافی بود. بسیاری از حجاج کمتر غذا می‌خوردند تا کمتر به دستشویی بروند.



میثاق: حالات و رفتار مردم در روز عرفه چگونه بود؟ آیا دعا و مناجات دسته‌جمعی داشتند؟

آقای باقری: بسیار خوب و عارفانه بود. دعای عرفه به صورت دسته‌جمعی در کاروان‌ها خوانده می‌شد.



میفرماید: از مشکلات و خاطرات زمانی که مشعر بیابان بود و امکاناتی نداشت، چیزی به یاد دارید؟

آقای باقری: در مشعر الحرام یا مزدلفه چراغ وجود نداشت و کاروان‌ها بیشتر چراغ دستی و گازی همراه خود برمی‌داشتند. برای وقوف اختیاری در مشعر می‌ماندیم و سنگ جمع می‌کردیم. از عدم نظافت و بهداشت و کمی آب و وجود جانوران در مشعر هم هرچه بگویم کم گفته‌ام!

میفرماید: از حالات روحی و معنوی مردم در مشعر بگویید.

آقای باقری: شور عجیبی داشتند. شب‌های به یاد ماندنی مناجات حجاج، استغاثه و ناله، دعا و نشستن روی خاک و انتظار طلوع فجر، از حالات شیرین و معنوی آن ایام بود. خانم‌ها نیمه شب پس از وقوف اضطراری به منا برده می‌شدند و آقایان پس از وقوف اختیاری و روشن شدن هوا به منا می‌رفتند و تا صبح مشغول مناجات می‌شدند.

میفرماید: افراد گمشده در مشعر چه می‌کردند و به کجا می‌رفتند؟

آقای باقری: زائران را قبلاً توجه می‌کردیم که در صورت گم شدن، با دیگر کاروان‌های ایرانی به منا بیایند. ولی با این حال مشکلاتی وجود داشت؛ البته حجاج خارجی بیشترین گمشده را داشتند.

میفرماید: حرکت از مشعر به منا، چگونه و با چه وسایلی بود؟

آقای باقری: از مشعر به منا را گاهی پیاده و گاهی با ماشین‌هایی که بیشتر پارک کرده بودیم، می‌رفتیم.

میفرماید: آیا وادی محسّر علامتی داشت و حاجیان این منطقه را می‌شناختند؟

آقای باقری: منطقه میان مشعر و منا را وادی محسّر می‌گفتند، و مانند امروز علامتی در آن وجود نداشت. ما سعی می‌کردیم همیشه همراه زائران باشیم تا به اعمال و وقوف‌های آن‌ها لطمه‌ای وارد نشود.

میثاق: اعمال منا (رمی جمرات) چگونه انجام می‌گرفت، آیا در رمی جمرات مشکل خاصی بروز می‌کرد (مثلاً کسی کشته شد؟)

آقای باقری: زائران بعد از حضور در منا وسایل همراه را در چادرها می‌گذاشتند و پیاده به جمرات می‌رفتند. فشار جمعیت زیاد بود، گاهی افرادی از دیگر کشورها زیر دست و پا می‌ماندند و به خاطر کهولت سن و ناتوانی تلف می‌شدند. ما همیشه سعی می‌کردیم زائران را در گوشه‌ای جمع کنیم و در گروه‌های کوچکتر به رمی بپردازیم.

چون راه‌ها و خیابان‌های منتهی به جمرات مانند امروز زیاد نبود، ازدحام بسیار ایجاد می‌شد و گاهی حرکت ماشین‌ها و گرمی هوا مشکلات فراوانی به وجود می‌آورد.

میثاق: مطالبی هم از چگونگی ذبح و حلق رأس بگوئید و اینکه قربانی‌ها را چگونه تهیه می‌کردید؟

آقای باقری: قربانی را با کمک آشپز و چند تن از زائران که مهارت در ذبح داشتند، انجام می‌دادیم؛ به این طریق که گوسفند را به صورت گله می‌خریدیم و ذبح می‌کردیم و برای سر تراشیدن یا حلق، می‌کوشیدیم با آموزش به زائران مقداری بیشتر بهداشت را رعایت کنیم ولی مگر با کمی آب و توجه نداشتن بعضی از زائران به بهداشت امکان داشت!

میثاق: لاشه قربانی‌ها چه می‌شد؟ آیا باعث تعفن و بیماری نمی‌گردید؟

آقای باقری: لاشه قربانی‌ها بیشتر زیر دست و پا می‌ماند و بو می‌گرفت و واقعاً باعث بروز بیماری می‌شد. تعدادی از آفریقایی‌ها و فقرا لاشه‌هایی را برای خود می‌بردند، خون گوسفندان از لباس‌های آنان جاری بود و تعداد زیادی از افرادی که به قربانگاه رفته بودند، حتماً با حرام روی لاشه گوسفند می‌افتادند و با وضع بسیار بدی به چادرها می‌آمدند.

میثاق: آداب و رسوم زائران ایرانی در شب‌های منا چگونه بود و آن شب‌ها را به چه شکل می‌گذراندند؟

آقای باقری: امکانات را خودمان تهیه می‌کردیم، در منا غذا می‌پختیم. با وجود امکانات بسیار کم، سعی می‌شد زائران در رفاه نسبی باشند، ولی دعا و نیایش در شب‌ها و به دیدار

هم رفتن زائران از صحنه‌های بسیار جالب توجه بود.

میثاق: عرب‌ها در منا چه مراسمی برگزار می‌کردند؟

آقای باقری: آنها سعی می‌کردند برای وقوف، در منا باشند و تعدادی از ایشان به مکه می‌رفتند. برخی در منادست فروشی می‌کردند و در عین حال، حج نیز به جا می‌آوردند.

میثاق: خاطره‌ای از آتش سوزی چادرهای حجاج در منا و یا سایر مشکلات دارید؟

آقای باقری: بله، کاروان‌های خارجی به علت رعایت نکردن مسائل ایمنی، باعث آتش سوزی و تلفات جانی و مالی در منا شدند. ساعت حدود ۲ بعد از ظهر آتش سوزی آغاز شد و ما زائران را به سرعت به طرف کوه‌های اطراف هدایت کردیم و به آنان اجازه ندادیم وسیله‌ای را با خود حمل کنند؛ چون خطر هر لحظه در کمین بود و شعله‌های آتش با ترکیدن کپسول‌های گاز به آسمان می‌رفت و روی چادرها می‌ریخت واقعاً وحشتناک و غم‌انگیز بود؛ بگونه‌ای که هیچگاه فراموشم نمی‌شود. از گروه‌ها کسی صدمه‌ای ندید ولی متأسفانه تعدادی ایرانی و بیشتر از زائران دیگر کشورهای اسلامی جان خود را از دست دادند. مشاهده صحنه‌های سوخته شده، بعد از خاموش شدن آتش، واقعاً دردناک و محزون کننده بود.

میثاق: کاروان‌ها و زائران، بیشتر چه وسایلی را با خود به عرفات و منا می‌بردند؟

آقای باقری: زائران وسایل شخصی خود را حمل می‌کردند و کاروان‌ها سماور نفتی، اجاق‌گاز، دیگ و ظرف مواد غذایی همراه داشتند که کار بسیار خطرناکی بود و هر لحظه ممکن بود فاجعه‌ای رخ دهد.

میثاق: چه خاطره‌ای از اعمال و آداب شب‌های منا به یاد دارید؟

آقای باقری: روز عید قربان، همه زائران ربوسی می‌کردند. به همدیگر تبریک می‌گفتند و بعضی به یکدیگر هدیه یا عیدی می‌دادند و شب‌ها به مناجات می‌پرداختند و روضه خوانی می‌کردند.

میثاق: آیا از مساجد قدیمی موجود در منا خاطره‌ای به یاد دارید؟ (مسجد کبش، مسجد البیعه و...)

آقای باقری: چون بیشتر مشغول کار در کاروان و برنامه‌ریزی بودیم، به ندرت به مساجد منا می‌رفتیم. تنها به مسجد خیف می‌رفتیم و در آنجا دو رکعت نماز می‌خواندیم.

میثاق: از روزهای پایانی حج، چه خاطره‌ای دارید؟
آقای باقری: در روزهای پایانی، همه آماده حرکت به ایران بودند. سوغات‌ها را جمع و جور می‌کردند و پیوسته می‌پرسیدند: کی می‌رویم؟

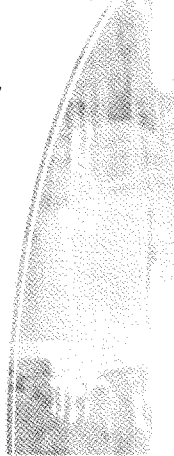
آگاهی زائران در آن روزگار تنها در حد شنیده‌ها از منبری‌ها و جلسات بود و کتب کافی و مورد نیاز مانند امروز در دسترس نداشتند.

میثاق: هنگام وداع از مسجد الحرام و مکه، برنامه و آداب خاصی داشتید؟
آقای باقری: بله، به همراه روحانی زیارت وداع و طواف وداع را انجام می‌دادیم تا زائران، آخرین نیازها و حوائج و خواسته‌های خود را از خدای خود طلب کنند.

میثاق: نحوه خرید سوغات چگونه بود و معمولاً چه چیزهایی به عنوان سوغات خریده می‌شد؟

آقای باقری: سوغات و خرید آن، جزو خواسته‌ها و از برنامه‌های زائران بود و بیشتر زائران تمایل به خرید انواع پارچه، جانماز و وسایل برقی و اسباب بازی برای خانواده‌های خود بودند.

میثاق: آیا میان شیعیان و اهل سنت اختلافات و درگیری بروز می‌کرد؟
آقای باقری: برخورد بسیار کمی میان زائران وجود داشت. بیشتر روحیه دوستی و مساعدت به همدیگر حاکم بود. زائران بیشتر به دنبال دوستان و همشهری‌های خود می‌گشتند تا خاطره‌ای را برای تعریف داشته باشند.



میقلع: هنگام برگشتن از حج و رسیدن به ایران، چه آداب و رسومی از سوی استقبال کنندگان انجام می‌شد؟

آقای باقری: قربانی ذبح می‌کردند، اسپند در آتش می‌ریختند و ولیمه می‌دادند. بیشتر اهالی محل و فامیل به دیدن حاجی می‌رفتند.

سوغاتی دادن، هدیه بردن، به استقبال آمدن و پهن کردن زیرانداز و ساعت‌ها به انتظار نشستن از برنامه‌های رایج در آن زمان بود، چون بیشتر پروازها با تأخیر همراه بود.

د - اسرار و معارف حج

میقلع: آیا مردم در آن زمان توجهی به اسرار و معارف حج داشتند؟

آقای باقری: بله، ولی نه به اندازه امروز. آگاهی زائران در آن روزگار تنها در حد شنیده‌ها از منبری‌ها و جلسات بود و کتب کافی و مورد نیاز مانند امروز در دسترس نداشتند.

میقلع: معمولاً به حاجیان چه تذکراتی می‌دادید و به چه نکاتی تأکید داشتید؟

آقای باقری: توجه به برنامه‌های تنظیم شده از طرف کاروان، آشنایی کامل با مناسک حج، اعمال و زیارت‌ها به صورت گروهی، رعایت بهداشت عمومی، رعایت اخلاق، انضباط در سفر و... همچنین یادآوری می‌کردیم در رابطه با عمره و حج تمتع هر چیزی را که نمی‌دانند از روحانی پرسند.

میقلع: استقبال زائران از اسرار و معارف و تأثیر آن مطالب در روح حاجیان تا چه حد بود و امروزه چگونه می‌توان اسرار و معارف حج را تبیین کرد؟

آقای باقری: زائران تشنه شنیدن اسرار و معارف بودند؛ چون بیشتر آن‌ها سواد نداشتند، فقط از طریق سخنرانی مطالبی را می‌آموختند و تحوّل در درونشان ایجاد می‌شد و این حالت تا پایان سفر در رفتار آنان نمایان بود.

چون امروزه بیشتر حجاج باسوادند، آماده کردن کتب مختلف، فیلم، تشکیل جلسات متعدد و تهیه برنامه‌های تلویزیونی، همانگونه که واحد آموزش و پژوهش بعثه در حج و عمره انجام می‌دهد، در آشنا کردن زائران با اسرار و معارف حج بسیار مؤثر است.

میقات: چه خاطره و لذت‌های معنوی از حج واجب (حج اول) دارید؟

آقای باقری: حج اول بسیار شیرین پرخاطره و توأم با احتیاط است و طبیعتاً من هم مانند هر حاجی، در سال اول زیاد مراقب اعمال و رفتار خود بودم و با اینکه زائر بودم و با هزینه شخصی به سفر آمده بودم، با خداوند عهد بستم به زائران خدمت کنم و از او خواستم که تا پایان عمر این توفیق را به من بدهد که خدمتگزار زائران باشم. سپاس خدای را که حاجت خود را تا کنون گرفته‌ام.

با خداوند عهد بستم به زائران خدمت کنم و از او خواستم که تا پایان عمر این توفیق را به من بدهد که خدمتگزار زائران باشم.

میقات: حجاج باید چه درس‌هایی از حج بگیرند؟ و در رفتارشان باید چه تغییراتی داشته باشند؟

آقای باقری: حج به انسان می‌آموزد که مانند ابراهیم و اسماعیل و هاجر باشند در تقوا، ایمان، شجاعت و شهامت، مقاومت، برنامه ریزی صحیح و منظم، اخلاق، سیاست، انسان بودن و بنده بودن و... مطمئناً افرادی که به حج مشرف می‌شوند تغییرات اساسی در زندگی بیرون و درون خود احساس خواهند کرد و آن را به راحتی می‌توانند به دیگران منتقل نمایند.

میقات: در پایان اگر مطلبی ناگفته دارید، بفرمایید.

آقای باقری: بسیار سپاسگزارم از مسؤولان محترم بعثه مقام معظم رهبری، به خاطر اینکه یادی از ریش سفیدان و پیشکسوتان حج کرده‌اند تا بتوانیم خاطرات و نظریات خود را بیان کنیم، و ضمن تقدیر از مسؤولان سازمان حج، به خاطر برنامه ریزی منظم و تحوّل که در سال‌های گذشته در برنامه حج و عمره ایجاد نمودند. برای همه خدمتگزاران آرزوی موفقیت می‌کنم.

